

گروه معرفتی پژوهش سیما

علی اصغر ترکاشوند

مقدمه

استفاده از پویانمایی(انیمیشن) در تصویر گری برنامه های کودک، گرایشی مستقل در هنرهای تجسمی است بساری از مضامین تشبیهی و تمثیلی آفات قرآنی ساختاری تصویر دارند. اصولاً زبان تشبیه و تمثیل برای درک بهتر مفاهیم جذابیت و تأثیر بیشتری دارد. انواع مضامین تصویری قرآن کریم که برای کودکان دلپذیر است، عبارتند از: قصص انبیا، داستان حیوانات، توصیف بهشت و مواهب آن، آفات مربوط به ستارگان، آسمان و زمین، کوه و دشت.

با بررسی و ژگی های سنی در کودکان دبستانی، متوجه این موضوع می شویم که از طریق نقاشی و تصویر می توان بر جذابیت و شریونی داستان پردازی و علاقه کودک به موضوع داستان افزود. علاوه بر آن درک مفاهیم از طریق تصویر بر حافظه طولانی مدت تأثیر گذارتر از بیان کلام است.

امروزه توسط اکثر مؤسسات فرهنگی و مراکز دارالقرآن از روش های تصویری برای آموزش قرآن به کودکان استفاده می شود ولی کاربرد آن تخصصی و حرفه ای نیست. علاوه بر آن تصویری بساری از کتب، نشریات و برنامه های آموزشی دیجیتال قرآن کریم نیز قابل نقد است.

کاربرد اصولی هنر تصویری در جذب و علاقمندی کودک تأثیر فزاینده ای دارد و در عین حال باید مراقب بود که ارائه ضعیف و غیر حرفه ای تصویری هم خسارت های منفی جبران ناپذیری را بر روح کودک وارد می کند. در این نوشتار تلاش می نمایم راهکارهای تصویری برای کودکان تبیین نمایم.

نویسنده نوشتار حاضر باور دارد متولیان برنامه ساز کودکان با استفاده از قابلیت های انیمیشن و تصویرگری می توانند در جهت رشد و اشاعه مفاهیم والای اخلاق و باورهای قرآنی، تلاشی عالمانه انجام دهند. در نوشتار حاضر که ادامه بخش اول و دوم « راهکارهای تصویر سازی مفاهیم ومضامین قرآنی برای کودکان » است تلاش مینمایم روشهای کارآمد انتقال مفاهیم ومضامین به کودکان را تبیین نمایم.

روشهای کارآمد انتقال مفاهیم و مضامین به کودکان

سؤال اساسی که وجود دارد این است که از نظر روشی مهمترین روشهای کارآمد انتقال مفاهیم، مضامین قرآنی کدام است؟ در این قسمت تلاش مینماییم در حد بضاعت نوشتار حاضر به مهمترین فنون کارآمد انتقال مفاهیم و مضامین قرآنی به کودکان اشاره نماییم.

1- استفاده از ظرفیت و فن تجسم

تجسم در اصطلاح به معنای صورت جسمانی دادن به امور معنوی و غیر مادی است. با عبارت دیگر، امور مجرد را به صورت مادی و محسوس و ملموس شناساندن و لباس مادی بر اندام آنها پوشاندن است. (سید قطب، 1390: 61)

مبثنی بر این روش حقایق دینی بساری را میتوان در قرآن سراغ گرفت که با توصیفاتی مادی و محسوس و در قالبهای مجسم و عینی به نمایش گذارده شده که از آن جمله میتوان به مثالهای زیر اشاره نمود:

• «ايمان» را به صورت درختی پاک و ثابت و پرثمر، و کفر به صورت درختی ناپاک که از ریشه درآمده و پندارنده. (سوره ابراهیم: 24 / 26)

• «ايمان» به صورت نقشی ثابت در دلهای مؤمنان است که خداوند با قلم خودش آن را در لوح ضمیرشان نگاشته است. (سوره مجادله: 22)

• «تقوی» به صورت زاد و توشهای نیکو برای سفر آخرت انسان مجسم گردیده است. (سوره بقره: 197)

• «ايمان به خدا» همچون رسمانی محکم است که هیچگاه گسستنی برای آن نیست. (سوره بقره: 56)

• «حق» چنان است که به شدت بر سر باطل کوبیده شود و آن را شکافد و به هلاکت رساند. (سوره انبیاء: 18)

• «گناه» به صورت بار سنگینی است که گناه پذیرندگان آن را بر دوش می‌کشند. (انعام: 31 و 164، اسراء: 15، فاطر: 18 و زمر: 7).

• و در جای دیگر، «گناه» همچون لباسی است که دارای رو به و آستر است و از هر دو روی آن با دیده پرهیز نمود. (سوره انعام: 120)

2- استفاده از ظرفیت و فن تشخیص ص

در تعریف تشخیص ص گفته‌اند که تشخیص ص: «شخصیت انسانی دادن به اشیا و آنها را به صورت انسان مجسم کردن است.» (انوری، 1623:1382)، و ا: «پوشاندن لباس انسانی بر اندام اشیا و اهر مخلوق بشری و بخشیدن صفات بشری به آنهاست» (عصفور، 1992:268). برخی نیز آن را «مطلق زندگی بخشیدن به اشیا» دانسته‌اند. (شفعی کدکنی، 1380: 151)

در تعابیر مصور قرآنی، جلوه‌های زیبایی از این جنبه‌های جمادات را می‌توان مشاهده کرد، به گونه‌ای که تمامی پدیده‌ها و مظاهر هستی را در برابر خود به صورت موجوداتی زنده می‌بینیم که همچون انسانها از شعور و احساس برخوردارند، می‌گویند، می‌شنوند، مطیع و فرمانبردارند، سر بر سجده می‌برند و خلاصه آن که شور و غوغای عجبی از حیات در میانشان برقرار است که نمونه‌های آن در اینجا از نظر می‌گذرانیم:

• «زم ن» همچون عروسی است که خود را باز و آلاتی خیره‌کننده آرایش نموده است. (سوره نونس: 24)

• و در جای دیگر، «زم ن» همچون شتری رام و مرکبی راهوار مشاهده می‌شود. (سوره ملک: 15)

3- انتقال از گذشته به حال و انتقال از آینده به گذشته و حال

از دیگر راهکارهای برنامه سازی تصویرگری مفاهیم و مضامین قرآنی انتقال از گذشته به حال و انتقال از آینده به گذشته و حال است. قرآن در برخی صحنه‌ها از گذشته با تعابیر حال یاد نموده و از صحنه مضارع به جای ماضی بهره جسته و با این روش آن صحنه را به طور زنده در پیش روی ما نهاده است، به گونه‌ای که می‌توان خود را در آن صحنه حاضر دید و با اشخاص آن از نزد یک ارتباط برقرار نمود. به عنوان مثال:

• در داستان نوح، صحنه ساختن کشتی را به گونه‌ای ترسیم نموده که گویی نوح (علیه السلام) را هم اکنون به این کار مشغول می‌بینیم. آن جا که می‌گویند: وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ. (سوره هود: 38)

• در صحنه تبدیل عصای موسی به مار نیز آن را با فعل مضارع به تابلوی زنده مبدل ساخته و می‌گویند: فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَرُ كَأَنَّهُمَا جَانٌّ وَوَلِيٌّ مُدْبِرٌ... (سوره قصص: 31)

استفاده از فعل مضارع «صنع» تصویری آن ماجرا را در ذهن زنده می‌کند و صحنه آن را در برابر خیال انسان حاضر می‌سازد. (رمضان البوطی، بی تا: 270)

از طرف دیگر قرآن در صحنه‌های چند، از حوادثی که در آینده تحقق خواهد یافت (به ویژه در حوادث قیامت) با صفت ماضی یاد نموده است، تا از این راه وقوع حتمی و قطعی چندین امری را اعلان دارد و تصاویر آن را با برخی جزئیات در پیش روی مخاطب قرار دهد.

• به عنوان مثال در باره وقوع قیامت می‌فرمایند: أَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ (سوره نحل: 1) امر خدا فرا می‌رسد، پس در آن تعجیل نکنید.

از ابن عباس روایت شده: «فعل ماضی (آتی) در اینجا به معنای مضارع (آتی) است، اما به خاطر مسلم بودن وقوع قیامت در آینده، مثل این است که در گذشته واقع شده است» (طبرسی، 1406: 348)

فهرست منابع

• - قرآن کریم

• - انواریه حسن (1382). فرهنگ بزرگ سخن تهران: سخن

• - رمضان البوطی، محمد سعید، بی تا، من روائح القرآن دمشق: مکتبه الفارابی.

- سید قطب (1990م). النقد الادبی اصوله ومنهاجهیچ شانزدهم، بیروت : دارالشروق.
- شف عی کدکن ،محمد رضا، (1380). صور خیال در شعر فارسییچ هشتم، تهران: آگاه.
- طبرس ،ابو علی فضل بن حسن، (1406ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج3، بیروت دارالمعرفه.
- عصفور، جابر، (1992م). الصوره الفنیه فی التراث النقدی والبلاغی عند العرب، الطبعه الثالثه، بیروت: المرکز الثقافی العربی.